

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فیش منبر

استقامت زینبی

**



کانال فیش منبر در ای‌تا



<https://eitaa.com/fishemenbar>

<http://www.talabeyar.ir> = **سایت طلبه یار**

فهرست مطالب

- ۳ طلیعه سخن
- ۵ آثار صبر بر مصیبت
- ۵ ۱- رمز پیروزی
- ۶ ۲- پاداش اخروی
- ۷ ۳- سربلندی در آزمایش الهی
- ۸ بلا برای اولیاء
- ۹ آثار و فوائد بلاها
- ۱۰ ۱. زنگ بیدارباش
- ۱۰ ۲. پاک کننده گناهان
- ۱۱ ۳. مادر خوشبختیها
- ۱۲ پایداری و شجاعت زینب از نگاه دیگران
- ۱۳ مصائب زینب از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام
- ۱۵ اشاره ای به مصائب زینب علیها السلام
- ۱۶ الف) دوران پدر و مادر
- ۱۷ ب) دوران امام حسن علیه السلام

در پنجم جمادی الاولی سال پنجم یا ششم هجرت ^(۱) خانه نبوت با بی قراری تمام در انتظار مولودی بود که تا چند لحظه دیگر پای به این جهان می نهاد . پس از آن که لحظه فرخنده فرا رسید، خبر مسرت بخش آن منتشر شد و عطر خوش این ولادت کوچه های مدینه را فراگرفت . رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله پس از تبریک و تهنیت، نام او را «زینب» گذاشت تا به این وسیله خاطره دختر مرحومه اش «زینب» را که کمی قبل از ولادت این کودک، جهان را بدرود گفته بود زنده نگاه دارد . او بعدها در کسب فضایل و مناقب و کمالات انسانی زبان زد عام و خاص گشت؛ به حدی که برای او بیش از ۶۰ لقب ذکر شده است . برخی از این القاب عبارتند از: نائبة الزهراء، ملیكة النساء، سيدة العقایل، فصیحة، بلیغة، كاملة، عابدة، فاضلة، عارفة، صابرة، و عظیمة بلواها ^(۲) .

مرحوم شیخ محمد حسین اصفهانی معروف به کمپانی در سروده های معروف خود به فضائل و القاب آن بانوی بزرگ اشاره کرده است که برای اختصار به ذکر برخی از ابیات آن اکتفا می کنیم :

ما ورثته من نبی الرحمة

جوامع العلم اصول الحکمة

سر ابیها فی علو الهمة

والصبر فی الشدائد الملمة

ثباتها تنبئ عن ثباته

كان فيها كل مكرماته

لها من الصبر على المصائب

ما جل ان يعد في العجائب « (۳)

او جوامع علم و اصول حکمت را از پیامبر رحمت به ارث برده است . در بلند مرتبه بودن همت و صبر در سختیهای خسته کننده و طاقت فرسا سر پدرش بود . (یعنی اوصاف پدرش در او نهان بود) .

استقامت و ثبات زینب از استقامت و ثبات پدرش خبر می دهد، گویا در وجود او تمام کرامتها [و صفات پسندیده] حضرت علی علیه السلام وجود دارد . در صبر و شکیبایی بر مصیبتها آن چنان بود که نزدیک است از عجائب شمرده شود .»

آن بانوی بزرگ که در دوران زندگی خود با حوادث و مصائب بزرگی مواجه شده بود، در نیمه رجب سال ۶۲ هجری در سن ۵۶ سالگی با کوله باری از غم و اندوه، دنیای فانی را وداع گفت و به دیار حق شتافت (۴) .

از آن جا که شخصیت حضرت زینب علیها السلام با واژه صبر و استقامت در برابر مصائب و سختیها قرین است به حدی که او را «ام المصائب» و «ام العزائم» نامیده اند، از اینرو برآنیم تا در این مقال، مختصری پیرامون موضوع «صبر و استقامت» مطالبی را بیان کرده و

سپس با ذکر نمونه هایی از صبر و استقامت آن بانوی بزرگ، این بحث را به پایان رسانیم .

آثار صبر بر مصیبت

صبر و استقامت در برابر سختیها، یکی از مهمترین اصول اخلاقی اسلام است . در روایات به سه نوع صبر اشاره شده است؛ صبر بر مصیبت، صبر در مقابل معصیت و صبر در مقام عبادت و بندگی . از آنجا که در این مقاله از صبر بر مصیبتها و سختیها سخن می گوئیم، در اینجا برخی از آثار صبر بر مصائب را بیان می کنیم .

۱- رمز پیروزی

خداوند متعال می فرماید: «وجعلنا منهم ائمة يهدون بامرنا لما صبروا وکانوا بآياتنا يوقنون»؛ ^(۵) « و از آنها امامان و پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می کردند، بخاطر این که شکیبایی نمودند و به آیات ما یقین داشتند .»

در صدر اسلام مسلمانان با سختیهای فراوانی دست به گریبان بودند و از سوی مشرکین مورد آزار و اذیت واقع می شدند و عده ای از آنان که طاقت تحمل این سختیها را نداشتند، عنان صبر و شکیبایی را از کف می دادند . در این آیه خداوند متعال خطاب به پیامبر و مسلمانان سرگذشت قوم بنی اسرائیل را بازگو می نماید تا هم آنان را تسلی و دلداری دهد و به صبر و شکیبایی و پایداری دعوت نماید و هم بشارتی باشد که اگر صبر و پایداری را پیشه کنند بر مشرکان پیروز خواهند شد؛ چنان که قوم بنی اسرائیل که از طرف کفار و مشرکین مورد آزار و اذیت

واقع می شدند پس از تحمل سختیها و مقاومت در برابر دشمنان، به پیروزی رسیدند و خداوند مقام امامت و پیشوایی بر مردم را به گروهی از آنان عطا فرمود .

پس در آیه مورد بحث دو چیز به عنوان رمز پیروزی بیان شده است: یکی ایمان و یقین به آیات الهی و دیگری صبر و استقامت و شکیبایی .

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «فمن صبر واحتسب لم یخرج من الدنیا حتی یقر الله له عینا فی اعدائه مع ما یدخر له فی الآخرة^(۶)؛ کسی که شکیبایی کند و آن را به حساب خدا بگذارد، از دنیا بیرون نمی رود تا خداوند چشمش را با شکست دشمنانش روشن کند، علاوه بر پادشاهی که برای آخرت او ذخیره خواهد کرد .»

۲- پاداش اخروی

هنگامی که مسلمانان برای هجرت، با مشکلات و مصایب فراوانی روبرو بودند، این آیه نازل شد: «انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب^(۷)» «همانا صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می دارند .» در این آیه تعبیر به «یوفی» که از ماده «وفی» و به معنای اعطای کامل است، از یک سو، و تعبیر به «بغير حساب» از سوی دیگر نشان می دهد که صابران و استقامت پیشگان برترین اجر و پاداش را در پیشگاه خداوند دارند . شاهد این سخن حدیث معروفی است که امام صادق علیه السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل فرموده اند: «اذا

نشرت الدواوین ونصبت الموازین لم ینصب لاهل البلاء میزان ولم ینشر لهم دیوان^(۸); هنگامی که نامه های اعمال گشوده می شود و ترازوهای عدالت پروردگار نصب می گردد، برای کسانی که گرفتار بلاها [و حوادث سخت] شده اند نه میزان سنجشی نصب می شود و نه نامه عملی گشوده خواهد شد. « پس این آیه را تلاوت کردند: «انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب .»

۳-سربلندی در آزمایش الهی

همه مردم از انبیا گرفته تا دیگران طبق قانون الهی مورد آزمایش قرار می گیرند تا بتوانند استعداد های خود را شکوفا سازند و قله های سر به فلک کشیده سعادت را در نوردند . از اینرو انسانها به طرق مختلف مانند: ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی، مورد آزمایش و امتحان قرار می گیرند و بدیهی است که هر کس بتواند از این آزمایشهای الهی سربلند خارج شود به سعادت نائل گردیده است . «صبر و استقامت» می تواند به عنوان یک سلاح کارآمد و اثر بخش در این مسیر سخت و دشوار انسان را یاری رساند و مسیر تکامل و خوشبختی را برایش هموار سازد .

خداوند متعال می فرماید: «ولنبلونکم بشیء من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانفس والثمرات وبشر الصابرين الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انا لله وانا الیه راجعون اولئک علیهم صلوات من ربهم ورحمة واولئک هم المهتدون»^(۹); « قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود میوه ها آزمایش می کنیم و بشارت ده به استقامت کنندگان، آنهایی که هرگاه مصیبتی به آنها رسد

می گویند: ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم . اینها همانها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده و آنها هدایت یافتگان اند .»

بلا برای اولیاء

از سنتهای الهی فرستادن بلا و سختی برای اولیاء و انبیاء است و با استناد به روایات می توان گفت که هرچقدر ایمان شخص بیشتر شود، غالباً سختی و مرارت بیشتری بر او وارد می شود . در این باره روایات زیادی وارد شده؛ تا جایی که در متون روایی یک باب با عنوان «شدة ابتلاء المؤمن» قرار داده شده است . برای نمونه از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «انما المؤمن بمنزلة كفة الميزان كلما زيد في ايمانه زيد في بلاءه»^(۱۰)؛ همانا شخص مؤمن به منزله کفه ترازو است که هرچقدر ایمان او بیشتر شود، بلا و مصیبت او بیشتر می شود .»

تاریخ نیز گواه گویایی بر این مطلب است و می بینیم که اولیاء الهی از جمله زینب کبری علیها السلام و پدر بزرگوار و مادر مطهره اش و برادران عظیم الشان ایشان چگونه با انواع مصیبتها و سختیها روبرو بوده اند و همواره در برابر طوفان حوادث صبر و شکیبایی نموده اند .

حال ممکن است این سؤال به ذهن خطور کند که چرا خداوند برای اولیاء خود مانند پیامبران الهی و اوصیای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم و زهرای مرضیه علیها السلام و زینب کبری علیها السلام و ... - که از مقربین درگاهش هستند - سختی و بلا نازل می کند و حال آنکه انسانهای بد در ناز و نعمت به سر می برند .

پاسخ این است که نه نعمتهای ظاهری و نه سختیها، هیچکدام معیار خوبی و بدی نیستند. آنچه مهم است نحوه برخورد انسان با این حوادث است که اگر انسان با عکس العمل خوب با این امور به سعادت برسد این حوادث برای او خوب است و اگر به شقاوت برسد برای او بد است. شهید بزرگوار مطهری در این باره می گوید: «نه فقر بدبختی مطلق است و نه ثروت خوشبختی مطلق، چه بسا فقرهایی که موجب تربیت و تکمیل انسانها گردیده و چه بسا ثروتهایی که مایه بدبختی و نکبت قرار گرفته است، ... سلامت و بیماری، عزت و ذلت و سایر مصائب طبیعی نیز مشمول همین قانون است. نعمتها و همچنین شدائد و بلاها هم موهبت است؛ زیرا از هر یک از آنها می توان بهره برداریهای عالی کرد. و نیز ممکن است بلا و بدبختی شمرده شوند؛ زیرا ممکن است هر یک از آنها مایه بیچارگی و تنزل گردند» (۱۱).

آثار و فوائد بلاها

حوادثی که به ظاهر بلا و سختی هستند، در باطن آثار و فوایدی دارند و اولیاء الهی نه تنها به بلا راضی هستند و ندای «رضی برضاءک» سرمی دهند بلکه اصلاً بلا را بلا نمی دانند و به دیده زیبایی و جمال به آن می نگرند؛ چنان که حضرت زینب علیها السلام پس از تحمل سختیها و مصائب بسیاری که بر او و خاندانش وارد شده بود، فرمودند: «ما رایت الا جمیلاً» (۱۲)؛ من جز زیبایی چیزی ندیدم. «از اینرو مناسب است در این مقال، برخی از فوائد بلا را برشماریم تا بتوانیم با تاسی به بانوی شجاع اسلام حضرت زینب علیها السلام زیباییهای نهفته در بلاها را دریابیم و مجذوب زیبایی مطلق خداوند متعال شویم.

ازنگ بیدارباش

از آنجا که ممکن است دنیا و زینتهای ظاهری آن انسان را بفریبد و به خود مشغول سازد و از یاد و طاعت خداوند دور نماید، خداوند با فرستادن بلا و سختی زمینه بیداری از غفلت را برای انسان فراهم می سازد تا این بلاها زیباییها و ظواهر فریبنده دنیا را در کام او تلخ سازد و به سوی حق معطوف دارد .

روزی مسلمانان با خشکسالی و کمی آب مواجه شده بودند و حضرت علی علیه السلام برای ادای نماز باران بیرون آمدند، در راه به همراهان فرمودند: «ان الله يبتلي عباده عند الاعمال السيئة بنقص الثمرات وحبس البركات واغلاق خزائن الخيرات ليتوب تائب ويقلع مقلع ويتذكر متذكر^(۱۳)؛ خداوند هنگامی که بندگان اعمال بد انجام می دهند آنان را به نقص و کمبود میوه ها و حبس نمودن برکات و بستن گنجینه های خوبیها، آزمایش می کند تا توبه کننده ای توبه کند و به دور کننده ای [گناه را از خود] دور سازد و پند گیرنده ای پند گیرد .»

۲. پاک کننده گناهان

برخی مؤمنین در پاره ای از اوقات دچار لغزش می شوند و مرتکب معصیت می گردند . خداوند - که نسبت به مؤمنین رؤوف و رحیم است - با فرو فرستادن بلا و سختی زمینه پاک شدن آنان از گناه را فراهم می کند و حساب آنان را به روز قیامت واگذار نمی نماید . امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «الحمد لله الذي جعل تمحيص ذنوب شيعتنا في الدنيا بمحنتهم لتسلم بها طاعاتهم ويستحقوا عليها ثوابها^(۱۴)؛ حمد و

سپاس خدایی را که پاک کردن گناهان پیروان ما را در دنیا به سختیهای آنها قرار داده تا طاعات آنها سالم بماند و در آخرت بر آن طاعات، استحقاق پاداش پیدا کنند.»

۳. مادر خوشبختیها

بلاها و سختیها بوجود آورنده سعادت و خوشبختی برای انسانها هستند و در شکم گرفتاریها و مصیبتها، نیکبختی و سعادت نهفته است؛ چنان که خداوند می فرماید: «فان مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا»^(۱۵)؛ «پس حتما با سختی، آسایشی است. حتما با سختی، آسایشی است.»

این یکی از قوانین عالم است که تا سنگ معدن ذوب نشود و گرمای طاقت فرسا نبیند هیچ گاه طلای ناب نخواهد شد و تا چاقو صیقل نبیند تیز و بران نخواهد شد. در انسان نیز این قانون جاری است و خداوند می فرماید: «لقد خلقنا الانسان فی کبد»^(۱۶)؛ «همانا انسان را در رنج و سختی آفریدیم.»

مرحوم استاد مطهری در تفسیر این آیه می فرماید: «آدمی باید مشقتها تحمل کند و سختیها بکشد تا هستی لایق خود را بیابد، تضاد و کشمکش، شلاق تکامل است، موجودات زنده با این شلاق راه خود را به سوی کمال می پیمایند»^(۱۷).

امیرمؤمنان علیه السلام در نامه ای به عثمان بن حنیف فرماندار خویش در بصره، او را از این که در مجلس اشراف - که بی نوایان در آن نبودند - شرکت کرده بود توبیخ می کند و زندگی ساده خود را شرح می دهد، آن

گاه می فرماید: «الا وان الشجرة البرية اصلب عودا والروائع الخصرة ارق جلودا والنباتات البدوية اقوى وقودا وابطا خمودا»^(۱۸); آگاه باشید! درختان بیابانی چوبشان سخت تر و درختان کنار جویبار پوستشان نازک تر است. درختان بیابانی [که به وسیله باران سیراب می شوند] آتش چوبشان شعله ورتر و پردوام تر است.»

به همین دلیل اولیاء الهی که بیشتر محبوب خدایند بیشتر در معرض بلا و گرفتاری واقع می شوند، چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید: «ان الله اذا احب عبدا غته بالبلاء غتا»^(۱۹); خداوند زمانی که بنده ای را دوست بدارد او را در دریای شدائد غوطه ور می سازد.»

تا نبیند رنج و سختی مرد، کی گردد تمام

تا نیاید باد و باران گل کجا بویا شود

پایداری و شجاعت زینب از نگاه دیگران

با ورق زدن صفحات تاریخ درمی یابیم که حضرت زینب علیها السلام از همان اوان کودکی با رنج و سختی آشنا بود و در برابر هر مصیبت و رنجی که برای او پیش می آمد با صبر و شکیبایی مثال زدنی ایستادگی می نمود و راه رضای خدا را در پیش می گرفت. این امر سبب شده بود که آن بانوی بزرگ الگوی پایداری و شجاعت شناخته شود و لذا دانشمندان بزرگ اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت در کتب خود زبان به تحسین گشوده اند و با الفاظ و عبارات مختلف از آن حضرت تجلیل نموده اند.

برای نمونه ابن اثیر از مورخین بزرگ اهل سنت می گوید: «وکانت زینب امرأة عاقلة لبیبة جزلة ... وهو يدل على عقل وقوة جنان^(۲۰); زینب زنی بود عاقل و خردمند و با زکات ... و این (یعنی کلام حضرت زینب در مجلس یزید) بر عقل و قوت قلب [و پایداری او] دلالت می کند.»

همچنین جلال الدین سیوطی از مفسرین اهل سنت می گوید: «وکانت لبیبة جذلة عاقلة لها قوة جنان^(۲۱); زینب بانویی خردمند و عاقل بود و از قوت قلب [و مقاومت] برخوردار بود.»

و نیز علامه مامقانی از علمای شیعه در مورد آن بانوی بزرگ می گوید: «وهی فی الصبر والثبات وحیدة; او در صبر و پایداری یکتا و بی همتا بود.»

مصائب زینب از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام

قدامة بن زائده از پدرش نقل می کند که امام سجاد علیه السلام به من فرمود: ای زائده! شنیده ام به زیارت امام حسین علیه السلام می روی؟ چگونه به زیارت او می روی و حال آنکه مقام و منزلتی نزد سلطان خود داری; سلطانی که محبت ما را تحمل نمی کند. عرض کردم: به خدا قسم چنین نمی کنم مگر به خاطر خدا و رسولش و از هیچ غضبی (از ناحیه سلطان) نمی ترسم. سپس امام علیه السلام خبری را برایم نقل فرمود که: وقتی در کربلا یاران امام شهید شدند و برای اسیری روانه کوفه می شدیم، به اجساد شهیدان که دفن نشده بودند نگاه می کردم و این برایم سخت بود تا جایی که نزدیک بود جان از بدنم جدا شود، زینب علیها السلام آمد و گفت: «مالی اراک تجود بنفسک یا بقیة جدی

و ابی واخوتی؛ چه شده است که می بینم می خواهی بذل جان کنی، ای باقیمانده جد و پدر و برادرانم؟» گفتم: چگونه ناراحت نباشم و حال آنکه پدر و برادران و عمو و پسر عمو و اهلیم به خونهایشان آغشته شده اند و برهنه هستند و کفن نشده اند و مدفون نمی گردند؟

زینب گفت: «لا یجز عنک ما تری فوالله ان ذلک لعهد من رسول الله الی جدک و ابیک و عمک؛ آنچه می بینی تو را غمگین نکند، به خدا قسم که این عهدی است از فرستاده خدا به جدت و پدرت و عمویت.»

گفتم: این عهد چیست و این خبر کدام است؟ حضرت زینب علیها السلام فرمود: ام ایمن^(۲۲) برایم نقل فرمود: روزی رسول خدا به منزل فاطمه آمد، من برای او غذایی تهیه کردم و علی علیه السلام نیز یک طبق خرما آورد. من ظرفی از شیر و حلوا برای ایشان آوردم و پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام و حسن و حسین علیهما السلام از آن غذا خوردند و از آن شیر نوشیدند و از خرما تناول کردند، ... سپس به علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن و حسین علیهما السلام نگاهی کردند، ما دانستیم که از روی سرور و شادمانی است ... سپس به سجده افتادند و صدای گریه ایشان بلند شد و اشکهایشان همچون باران جاری بود ... علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام از پیامبر پرسیدند: چرا گریه می کنید؟ خداوند چشمانتان را گریان نبیند، از این حالت شما قلب ما جریحه دار شد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل بر من فرود آمد و گفت: ای محمد! همانا برادرت پس از تو مغلوب واقع می شود و مورد حمله دشمنان قرار می گیرد و شهید می شود و بدترین خلق، او را خواهد

کشت ... و ان سبطک هذا - و اوما بیده الی الحسین - مقتول فی عصابة من ذریتک و اهل بیتک و اخیار من امتک بضفة الفرات فی ارض یدعی کربلا; و بدرستی که نوه تو - اشاره فرمود به حسین - در بین گروهی از ذریه و اهل بیت و خوبان امت تو در کنار فرات کشته خواهد شد، در زمینی که کربلا نام دارد. « پس پیامبر فرمود: «این بود آنچه مرا به گریه انداخت و محزون ساخت.»

زینب فرمود: وقتی ابن ملجم - لعنة الله علیه - بر پدرم ضربه زد و اثر شهادت را در چهره او دیدم، به او عرض کردم که ام ایمن برایم این گونه نقل کرده، دوست دارم از شما آن را بشنوم، پدرم فرمود: یا بنیة الحدیث کما حدثتک ام ایمن; دخترم این خبر همان گونه است که ام ایمن برایت نقل کرده است. «کانی بک و بینات اهلک سبایا بهذا البلد اذلاء خاشعین تخافون ان یتخطفکم الناس فصبرا صبورا; گویا تو و دختران اهل تو را در این سرزمین اسیر می بینم با حالتی ذلت بار و ترسان، در حالی که می ترسید مردم شما را به سرعت از بین ببرند، بر شما باد صبر کردن» (۲۳).

اشاره ای به مصائب زینب علیها السلام

آن بانوی عظیم الشان - که به واقع زینت پدر و گل خوشبوی ولایت بود - در مقام و منزلت و فضائل اخلاقی چنان بود که او را عقیده بنی هاشم نام نهادند. او علی رغم چنین مقام و منزلتی و علی رغم تمام سفارشات و وصایای رسول گرامی اسلام در مورد اهل بیت علیهم السلام آماج بیشترین نامهربانیها قرار گرفت و با صبر و بردباری و استقامت بی نظیر، چشمهای جهانیان را خیره کرد.

اگرچه برشمردن تمام مصائب زینب کبری علیها السلام و درک عمق فجایعی که در طول دوران زندگی بر ایشان وارد شد از طاقت ما خارج است، ولی با بیان پاره ای از آنها ام المصائب بودن ایشان را از دور به نظاره می نشینیم، امید است که بتوانیم در این دانشگاه انسان ساز، درسهای آموزنده اخلاقی را فراگیریم و با عمل به آنها به تهذیب و تزکیه نفس خویش پردازیم .

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

یکی از نویسندگان خوش ذوق فهرستی از برخی مصائب آن بانوی گرانقدر تهیه کرده و بیش از چهل مصیبت برای ایشان بیان نموده است^(۲۴) که در این نوشتار در چند مرحله به برخی از آنها اشاره می کنیم .

الف) دوران پدر و مادر

دوران کودکی زینب علیها السلام که گمان می رفت بهترین دوران زندگی او باشد، با رنجها و تلخیهای بسیاری همراه بود . از طرفی با فراق بزرگترین انسان تاریخ؛ پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله دیگر نمی توانست آغوش گرم ایشان را که آرامش بخش روح و روان او بود احساس کند، و از طرف دیگر لحظه به لحظه با درد و رنجهای مادر مهربانش همراه بود؛ رنجهایی که تاریخ بشریت را تیره و تار نمود و لکه ننگی بر پیشانی مسیبان آن تا ابدیت باقی گذاشت و دل اندیشمندان را جریحه دار نمود .

آن گل خوشبوی زهرا علیها السلام از غم و اندوه مادر، غمگین می گشت و می گریست . در آن هنگام که شدت ضربه درب خانه توسط مهاجمان، پهلوی صدیقه طاهره را شکست، گویی پهلوی زینب بود که می شکند، وقتی ضربه تازیانه دست مادرش را مجروح ساخت، گویی که تازیانه ای بر قلب نازنین زینب وارد شده است، این حوادث و مصائب همیشه در ذهن آن دختر کوچک باقی بود و بر سینه پرعاطفه او سنگینی می کرد، ولی این پایان کار نبود و رنجها و سختیها یکی پس از دیگری خود را نمایان می ساخت تا این که مصیبت سخت و طاقت فرسای شهادت مادر چون کوهی از مصائب در برابر او پدیدار گشت .

آن بانوی عزیز پس از شهادت مادر شاهد درد و رنج و تنهایی پدر بود که از فرط تنهایی و بی کسی سر بر چاه می گذارد و ندای مظلومیت خود را به چاه می گوید تا شاید او ندای حق علی علیه السلام را بشنود . در این میان شهادت پدر مظلومش بدست یکی از شقی ترین انسانهای عالم، مصیبت بزرگ دیگری بود که به هیچ وجه برایش قابل جبران نبود . چرا که دیگر زینب هیچ یاور و پناهی نداشت و غریب و تنها شده بود . این حوادث، زینب کبری را همچون پولادی که در میان شعله های آتش آبدیده می شود، مقاوم تر و استوارتر می ساخت .

ب) دوران امام حسن علیه السلام

بعد از شهادت پدر و شروع دوران خلافت برادرش امام حسن مجتبی علیه السلام مصائب زینب باز هم ادامه داشت . برای او چقدر سخت بود که ببیند مردمان سست ایمان بر بلندای منابر، پدر مهربانش را که یار و یاور و وصی و خلیفه بر حق رسول الله بود، دشنام می دهند . از

طرف دیگر غریبی و بی کسی برادر و بی ثباتی یاران بی وفای او، دل زینب را به درد می آورد. این سختیها زمانی به اوج خود رسید که خبر مسموم شدن برادرش امام حسن علیه السلام به او رسید و انبوهی از غم و اندوه را بر قلب او وارد ساخت، و از این سخت تر برای زینب علیها السلام زمانی بود که شاهد تیرباران شدن بدن مطهر برادرش به هنگام تدفین بود^(۲۵). با این حوادث مظلومیت اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و خاندان امیرمؤمنان علی علیه السلام و فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام بیش از پیش هویدا می شد.

در حادثه کربلا، زینب علیها السلام سختیهایی را که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از قبل بیان فرموده بود، مشاهده می نمود. در این هنگام حضرت زینب علیها السلام تلخ ترین روز عمر خود را در پیش داشت؛ روزی که در وصف آن گفته شده «لا یوم کیومک یا ابا عبدالله؛ هیچ روزی مانند روز تو نیست ای ابا عبدالله.» روزی که زینب علیها السلام شاهد تشنگی و عطش زنان و اطفال، شهادت فرزندان، برادر و فرزندان برادر بود و در نهایت وقتی برادرش آماده میدان رزم شد، گویی تمام عالم بر سر او خراب شد و هنگامی که اسب بی صاحب ابا عبدالله به خیمه گاه برگشت، زینب مصیبت زده ترین زن تاریخ گشت.

در حالیکه غم از دست دادن عزیزترین افراد قلب نازنین زینب علیها السلام را می آزد، سفر طولانی و طاقت فرسای اسارت از کربلا تا کوفه و از کوفه تا شام آغاز شد و با توجه به بیماری امام سجاد علیه السلام قافله سالاری این کاروان غم زده و مصیبت دیده، به عهده زینب بود. این سفر با وقایع تلخی از جمله: نشان دادن سرهای بریده شهدا بر سر نیزه ها، بی تابی کودکان یتیم و ماتم زده و خسته، بیماری امام سجاد

علیه السلام که با حالتی بسیار اسف بار و دلخراش به همراه کاروان در حرکت بود، هتک حرمت حرم رسول خدا، شادمانی مردم کوفه و خارجی خواندن خاندان پیامبر اسلام و صدها فجایع و مصیبت دیگر، مصیبت‌هایی که یکی از آنها برای از پا درآوردن هر انسان کافی است؛ اما زینب کبری علیها السلام همچون کوهی سترگ و استوار، با خطبه‌های آتشین خود در کوفه و شام وظیفه افشاگری ظلم بنی امیه را به خوبی انجام داد و نهضت حسینی را به جهانیان عرضه کرد .

به راستی که انسان با شدت بلایا و مصائب زینب علیها السلام، تردیدی در عظمت و بزرگی مقام ایشان پیدا نمی کند و سخن پدر گرامیش علی علیه السلام به ذهن تداعی می کند که فرمود: «ان اشد الناس بلاء النبیین ثم الوصیون ثم الامثل فالامثل؛ شدیدترین بلاها و مصائب بر پیامبران وارد می شود، سپس به اوصیاء و بعد به شبیه ترین افراد به آنها (۲۶)» .

به امید آنکه با الگوگیری از صبر و استقامت زینب کبری علیها السلام، جامعه اسلامی ما در شرایط سخت و دشوار کنونی، راه صبر و استقامت پیش گیرد و در کوران حوادث و اوج امتحانهای الهی از مسیر دین و پیروی از خط ولایت و رهبری اهل بیت و اوصیای آنان خارج نشود .

- (۱) فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى، احمد الرحمانى الهمدانى، نشر مرضیة، ص ۶۳۴ .
- (۲) زینب کبری عقيله بنی هاشم، حسن الهی، مؤسسه فرهنگى آفرینه، ص ۶۲ - ۶۳ .
- (۳) همان، ص ۶۴ - ۶۷ .
- (۴) اخبار الزینبات، یحیی بن الحسن بن جعفر، ص ۱۲۲ .
- (۵) سجده/۲۴ .
- (۶) اصول کافی، کلینی، دارالاضواء، ج ۲، ص ۷۲ .
- (۷) زمر/۱۰ .
- (۸) مجمع البیان، ذیل آیه فوق .
- (۹) بقره/۱۵۵ - ۱۵۷ .
- (۱۰) بحار الانوار، مجلسی، مؤسسه الوفاء، ج ۶۷، ص ۲۱۰ .
- (۱۱) مجموعه آثار، مرتضی مطهری، صدرا، ج ۱، ص ۱۸۳ - ۱۸۴ .
- (۱۲) بحار الانوار، مجلسی، همان، ج ۴۵، ص ۱۱۶ و اللهوف علی قتلی الطفوف، ابن طاووس، دارالاسوة، ص ۲۰۱ .
- (۱۳) نهج البلاغه، خطبه ۱۴۱ .
- (۱۴) بحار الانوار، همان، ج ۶۷، ص ۲۳۲ .
- (۱۵) انشراح/۵ و ۶ .
- (۱۶) بلد/۴ .

۱۷) مجموعه آثار، مرتضی مطهری، صدرا، ج ۱، ص ۱۷۶ .

۱۸) نهج البلاغه، نامه ۴۵ .

۱۹) اصول کافی، کلینی، دارالاضواء، ج ۲، ص ۲۵۲ و بحارالانوار، مجلسی، مؤسسه الوفاء، ج ۶۷، ص ۲۰۷ .

۲۰) اسد الغابه، ابن اثیر، دارالمعرفه، ج ۵، ص ۳۰۰ و الاصابه، ابن حجر عسقلانی، دارالجیل، ج ۷، ص ۶۸۴ .

۲۱) فاطمه الزهراء بهجة المصطفى، احمد الرحمانی الهمدانی، همان، ص ۶۴۰ .

۲۲) وی خادمه پیامبر گرامی اسلام بود و جزء اولین کسانی است که به ندای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پاسخ گفت و مسلمان شد و پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله همراه حضرت فاطمه علیها السلام بود و در ماجرای فدک که ابوبکر از حضرت فاطمه شاهد خواست، ام ایمن به نفع آن حضرت شهادت داد ولی ابوبکر علی رغم اعتراف به اینکه او از اهل بهشت است، شهادتش را نپذیرفت .

ر . ک به شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، اسماعیلیان، ج ۱۳، ص ۲۷۲ و ج ۱۶، ص ۲۱۴ .

۲۳) بحارالانوار، مجلسی، مؤسسه الوفاء، ج ۴۵، ص ۱۷۹ - ۱۸۳ و کامل الزیارات، ابن قولویه، مکتبه الصدوق، باب ۸۸، ص ۲۷۷ - ۲۷۸ .

۲۴) زینب کبری، عقيله بنی هاشم، حسن الهی، مؤسسه فرهنگی آفرینه، ص ۷۰ - ۷۳ .

۲۵) مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، مطبعة الحیدریه، ج ۴، ص ۲۰۴ و بحارالانوار، مجلسی، همان، ج ۴۴، ص ۱۵۷ .

۲۶) بحارالانوار، مجلسی، همان، ج ۶۷، ص ۲۲۲ .

مجله مبلغان شهریور و مهر ۱۳۸۲، شماره ۴۵